

چرا عزاداری برای امام حسین علیه السلام و یاران با وفایشان از اول محرم آغاز می شود با این که ایشان در دهم محرم به شهادت رسیدند ؟

- ۲ گریه برای اهل بیت اختصاص به زمان خاصی ندارد.....
- ۳ مدارک دیگر این روایت:.....
- ۳ ۱. محب الدین طبری:.....
- ۳ ۲. ملا علی قاری:.....
- ۳ ۳. قندوزی حنفی:.....
- ۳ ۴. سخاوی شافعی:.....
- ۴ ۵. احمد بن صالح بن اَبی الرجال:.....
- ۴ توثیق راویان سند توسط محقق کتاب «فضائل الصحابة».....
- ۵ الف: بیان نام های «احمد بن اسرائیل» در سخنان علمای اهل سنت.....
- ۷ ب: توثیقات «احمد بن اسرائیل» از دیدگاه علمای اهل سنت.....
- ۹ نتیجه:.....
- ۱۱ گریه برای امام حسین علیه السلام اختصاص به زمان خاصی ندارد.....
- ۱۳ عزادار بودن امام موسی کاظم علیه السلام از اول محرم.....
- ۱۳ روضه خوانی امام رضا علیه السلام در روز اول محرم.....
- ۱۴ نتیجه.....

پاسخ :

بر اساس متون روایی شیعه و اهل سنت، گریه بر اهل بیت علیهم السلام به صورت عام و امام حسین علیه السلام به صورت خاص، اختصاص به زمان خاصی ندارد. اما در میان اهل بیت علیهم السلام، به جهت اوج مصیبت در حادثه کربلا، تاکید بیشتری بر گریه برای امام حسین علیه السلام شده است، به گونه ای که حتی قبل از شهادت ایشان نیز وجود مقدس رسول خدا، امیر مؤمنان، حضرت فاطمه زهرا و امام حسن مجتبی علیهم السلام برای ایشان گریه کرده اند علاوه بر اینکه در احادیث فراوانی امامان معصوم به گریه کردن و برگزاری مراسم عزاداری برای ایشان، دستور داده اند.

برای مطالعه بیشتر درباره گریه اهل بیت علیهم السلام برای امام حسین علیه السلام می توانید به مقاله زیر مراجعه کنید:

<http://www.valiasr-aj.com/persian/shownews.php?idnews=۱۰۲۵۲>

در این نوشتار بر آنیم که به صورت مختصر برخی از روایات معتبر پیرامون گریه برای اهل بیت علیهم السلام و بالخصوص برای امام حسین علیه السلام بپردازیم و در ادامه سیره دو امام معصوم علیهما السلام در عزاداری برای امام حسین علیه السلام از اول محرم را، بیان می داریم.

گریه برای اهل بیت اختصاص به زمان خاصی ندارد

احمد بن حنبل رئیس فرقه حنبلی اهل تسنن در کتاب «فضائل الصحابة» به نقل از امام حسین علیه السلام روایتی با سند صحیح درباره ثواب گریه بر اهل بیت علیهم السلام نقل می کند که بدین شرح است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْرَائِيلَ، قَالَ: رَأَيْتُ فِي كِتَابِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَنْبَلٍ رَحِمَهُ اللَّهُ بِخَطِّ يَدِهِ، نَا أَسْوَدَ بْنَ غَامِرٍ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ، قَتْنَا الرَّبِيعُ بْنُ مُنْذِرٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: كَانَ حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، يَقُولُ: مَنْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ فِينَا دَمْعَةً، أَوْ قَطَرَتْ عَيْنَاهُ فِينَا قَطْرَةً، أَثَوَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْجَنَّةَ.

احمد بن اسرئیل می گوید: در کتاب احمد بن محمد بن حنبل با دست خط خودش دیدم که اسود بن عامر (ابو عبد الرحمن) از ربیع بن منذر نقل کرد که پدرش گفته: حسین بن علی [علیهما السلام] همیشه می فرمود: هر کس چشمانش برای ما پر اشک شود و یا یک قطره اشک برای ما بریزد خداوند او را در بهشت جای خواهد داد.

فضائل الصحابة لابن حنبل، ج ۲، ص ۶۷۵ ح ۱۱۵۴، تحقیق: د. وصی الله محمد عباس، الطبعة: الأولى، ناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۰۳ - ۱۹۸۳.

علمای دیگر اهل سنت نیز این روایت را از احمد بن حنبل نقل کرده اند که خود کاشف از قبول روایت توسط آنان می باشد. در ادامه نقلهای آنان تقدیم می گردد.

مدارک دیگر این روایت:

این روایت را علمای دیگر اهل سنت در کتابهای شان با این عبارت ذکر کرده و تصریح نموده اند که آن را احمد بن حنبل در کتاب «مناقب» خود آورده است:

۱. محب الدین طبری:

عن الربيع بن منذر عن أبيه قال كان حسين بن علي رضي الله عنهما يقول من دمعت عيناه فينا دمعاً أو قطرت عيناه فينا قطرة آتاه الله عز وجل الجنة. أخرجه أحمد في المناقب.

ذخائر العقبى في مناقب ذوى القربى، ج ۱، ص ۱۹، محب الدين أحمد بن عبد الله الطبرى الوفاة: جمادى الآخرة / ۶۹۴هـ، دار النشر: دار الكتب المصرية - مصر.

... احمد بن حنبل این روایت را در کتاب مناقب (فضائل الصحابة) نقل نموده است.

۲. ملا علی قاری:

أخرج أحمد في المناقب عن الربيع بن منذر عن أبيه قال : كان حسن بن علي يقول : من دمعت عيناه فينا دمعاً أو قطرت عيناه فينا قطرة آتاه الله عز وجل الجنة .

ملا علی القاری، نور الدین أبو الحسن علی بن سلطان محمد الهروی (متوفای ۱۰۱۴هـ)، مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۱۱، ص ۳۱۵، تحقیق: جمال عیتانی، ناشر: دار الكتب العلمیة - لبنان/ بیروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۱ م.

احمد بن حنبل در کتاب مناقب (فضائل الصحابة) این روایت را نقل نموده است ...

۳. قندوزی حنفی:

قندوزی حنفی این روایت را در دو جا از کتابش آورده است:

وعن الحسين بن علي (رضي الله عنهما) قال : من دمعت عيناه فينا دمعاً أو قطرت عيناه فينا قطرة بوأه الله (عز وجل) الجنة. (أخرجه أحمد في المناقب) .

القندوزی الحنفی، الشیخ سلیمان بن إبراهیم (متوفای ۱۲۹۴هـ) ینابیع المودة لذوی القربى، ج ۲، ص ۱۱۷ و ص ۳۷۳، تحقیق: سید علی جمال أشرف الحسینی، ناشر: دار الأسوة للطباعة والنشر- قم، الطبعة: الأولى ۱۴۱۶هـ.

۴. سخاوی شافعی:

وی نیز در کتاب «استجلاب ارتقاء الغرف بحب أقباء الرسول ذوی الشرف» این روایت را نقل نموده است:

قال : وعن الحسين بن علي رضي الله عنهما قال : من دمعت عيناه فينا أو قطرت عيناه فينا قطرة آتاه الله عز وجل الجنة . أخرجه أحمد في «المناقب» .

حسین بن علی (علیهما السلام) فرمود: هر کس چشمانش برای ما پر اشک شود و یا یک قطره اشک برای ما بریزد خداوند او را در بهشت جای خواهد داد. این روایت را احمد در کتاب مناقب (فضائل الصحابة) خودش آورده است.

السخاوی، شمس الدین محمد بن عبد الرحمن (متوفی: ۹۰۲ هـ.ق)، استجلاب ارتقاء الغرف بحب أقرباء الرسول ذوی الشرف، ج ۱، ص ۴۳۱-۴۳۲، حدیث ۱۶۰، تحقیق: خالد بن احمد الصمّی بابطین، ناشر: دار البشائر الإسلامیة، عربستان.

۵. احمد بن صالح بن ابي الرجال:

وی در کتاب مطلع البدور ومجمع البحور، این روایت را نقل کرده است:

ولأحمد فی مناقبه عن الحسين - عليه السلام - من دعت عيناه فينا قطرة أتاه الله تعالى الجنة .

احمد بن حنبل در کتاب مناقب (فضائل الصحابة) از امام حسین علیه السلام نقل کرده است که فرمود: هر کس چشمانش برای ما پر اشک شود خداوند او را در بهشت جای خواهد داد.

أحمد بن صالح بن أبي الرجال، مطلع البدور ومجمع البحور، جزء ۱، ص ۱۵، تحقیق: عبد السلام عباس الوجیه، محمد یحیی سالم عزان، مرکز التراث والبحوث الیمنی.

جالب اینجاست که نویسنده بعد از نقل این روایت می گوید:

والأحاديث فی (هذا) المعنى كثيرة.

با این معنا و مضمون، احادیث بسیاری وجود دارد.

تا اینجا ثابت شد که پنج تن از علمای اهل سنت این روایت را در کتابهایشان از احمد بن حنبل نقل کرده اند و هیچکدام از آنها اشکال و ایرادی بر متن و یا سند آن وارد نکرده اند.

توثیق راویان سند توسط محقق کتاب «فضائل الصحابة»

محقق کتاب (فضائل الصحابه) «جناب وصی الله بن عباس» در پاورقی کتاب راجع به راویان سند روایت می نویسد:

(۱۱۵۴) احمد بن اسرائیل شیخ القطیعی لم اجده والباقون ثقات.

احمد بن اسرائیل استاد قطیعی است، من شرحی حالی برایش نیافتم؛ اما بقیه راویان این روایت، مورد وثوق هستند.

ابی عبد الله احمد بن محمد بن حنبل، فضائل الصحابة لابن حنبل، ج ۲، ص ۶۷۵ ح ۱۱۵۴، محقق: وصی الله بن عباس، دار النشر: دار العلم، المملكة العربية السعودية، الطبعة الاولى ۱۴۰۳ هـ - ۱۹۸۳ م.

طبق عبارت محقق کتاب، جز «احمد بن اسرائیل» بقیه راویان سند، مورد وثوق و اطمینان هستند. حال اگر توثیق «احمد بن اسرائیل» نیز ثابت شود، روایت صحیح خواهد بود. بنابراین، لازم است ابتدا پیرامون نام او بحث کنیم سپس به ذکر شرح حال و توثیق او از دیدگاه علمای اهل سنت بپردازیم.

الف: بیان نام های «احمد بن اسرائیل» در سخنان علمای اهل سنت:

با جستجو در عبارت های علمای اهل سنت می بینیم که از «احمد بن اسرائیل» به نام های متعددی یاد شده که هریک آنها نسبت وی را به اجدادش ثابت می کند و برگشت همه آنها به همان یک فرد است.

۱. ابو الفرج ابن جوزی:

ابن جوزی برای «احمد بن اسرائیل» سه نام ذکر کرده و می نویسد:

أبو بكر أحمد بن سليمان بن الحسن النجار روی عنه أبو حفص بن شاهين وهو أحمد بن سلمان بن الحسن بن إسرائيل بن يونس روی عنه ابن شاهين أيضا فنسبه إلى جد جده وهو أحمد بن إسرائيل الذي روی عنه أبو بكر بن مالك القطيعي.

ابو بكر احمد بن سليمان بن حسن نجاد، از وی ابو حفص شاهين روايت کرده است. ابو بكر همان احمد بن سلمان بن حسن بن اسرائیل بن يونس است که از وی ابن شاهين نیز روايت نقل کرده است. و او را به جد جدش هم نسبت داده اند که همان احمد بن اسرائیل است و ابو بكر بن مالك قطيعی از وی روايت نقل کرده است.

تلقيح مفهوم أهل الأثر، ج ۱، ص ۳۶۹، أبي الفرج عبد الرحمن ابن الجوزي الوفاة: ۵۹۷هـ، دار النشر: شركة دار الأرقم بن أبي الأرقم - بيروت - ۱۹۹۷، الطبعة: الأولى.

۲. خطیب بغدادی:

خطیب بغدادی وی را با چهار اسم معرفی کرده است:

ذکر أبي بكر أحمد بن سلمان بن الحسن النجاد.

قد ذكرنا بعض حديثه فيما تقدم، وهو أحمد بن يونس القطيعي، الذي روی عنه عمر بن أحمد بن شاهين.

ذکر و یاد ابو بكر احمد بن سلمان بن حسن نجاد. برخی از روایاتش را ما در گذشته ذکر کردیم و او احمد بن يونس قطيعی است که از وی عمر بن احمد بن شاهين روايت نقل کرده است.

پس از عبارت فوق این روايت ذکر می کند که در آن اسم احمد بن يونس قطيعی آمده است:

أخبرنا القاضي أبو بكر محمد بن عمر الداودي، أخبرنا عمر بن أحمد الواعظ، حدثنا أحمد بن يونس القطيعي، حدثنا محمد بن شاذان، حدثنا معلى، حدثنا عبد الله بن المبارك، عن يونس، عن الزهري، قال: حدثني سهل بن سعد، عن أبي بن كعب، قال: كانت الفتية الماء من الماء رخصة في أول الإسلام، ثم أحكم الأمر، ونهى عنه.

پس از نقل روايت، دو باره «احمد بن سلمان نجاد» را با مشخصات اجدادش معرفی کرده است:

هو أحمد بن سلمان بن الحسن بن إسرائيل بن يونس، فنسبه عمر إلى جد جده. وهو أحمد بن إسرائيل، الذي روی عنه أبو بكر بن مالك القطيعي

او احمد بن سلمان بن حسن بن اسرائیل بن یونس است. و عمر بن واعظ (در روایت فوق) نسبش به جد جدش می رساند و او همان احمد بن اسرائیل است که ابو بکر بن مالک قطیعی از وی روایت نقل کرده است.

موضح أوهمام الجمع والتفريق، ج ۱، ص ۴۶۴، أحمد بن علی بن ثابت الخطیب البغدادی الوفاة: ۴۶۳، تحقیق: د. عبد المعطی أمين قلعجی. دار النشر: دار المعرفة - بیروت - ۱۴۰۷، الطبعة: الأولى.

طبق این عبارت خطیب بغدادی، «حسن» جد اول، «اسرائیل» جد دوم و «یونس» جد سوم این روای می شود. بنابراین، معرفی کامل ایشان «أحمد بن سلمان بن الحسن بن اسرائیل بن یونس» است؛ اما برخی او را به اسم جد دوم «احمد بن اسرائیل» و برخی دیگر به اسم جد سوم «احمد بن یونس» معرفی کرده اند که در نهایت همه مقصود شان همان یک نفر است.

احمد بن حنبل در کتاب «فضائل الصحابه» از «احمد بن اسرائیل» روایت دیگری نیز نقل کرده است:

حدثني أحمد بن إسرائيل قتنا محمد بن عثمان قتنا زكريا بن يحيى الكسائي نا يحيى بن سالم نا أشعث بن عم حسن بن صالح وكان يفضل عليه نا مسعر عن عطية العوفى عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال قال رسول الله صلى الله عليه وسلم مكتوب على باب الجنة محمد رسول الله على أخو رسول الله قبل ان تخلق السماوات بالفى سنة.

ابى عبد الله احمد بن محمد بن حنبل، فضائل الصحابة لابن حنبل، ج ۲، ص ۶۶۸ ح ۱۱۴۰، محقق: وصى الله بن عباس، دار النشر: دار العلم، المملكة العربية السعودية، الطبعة الاولى ۱۴۰۳هـ - ۱۹۸۳م.

جالب این است که محقق کتاب، در مورد همه راویان این حدیث نظرش را می گوید اما در باره «احمد بن اسرائیل» هیچگونه اظهار نظری نکرده است.

۳. عبد الکریم سمعانی:

سمعانی از علمای نسب شناس اهل سنت «احمد بن اسرائیل» را از علمای فقیه حنابله معرفی کرده و تصریح می کند که وی بر اساس فقه احمد بن حنبل فتوا می داده و شاگرد عبد الله بن احمد بن حنبل و برخی دیگر بوده است:

النجاد: بفتح النون والجيم المشددة وفي اخرها الدال المهملة هذه الحرفة مشهورة والمعروف بها أبو بكر أحمد بن سلمان بن الحسن بن إسرائيل بن يونس الفقيه الحنبلي المعروف بالنجاد من أهل بغداد كان له في جامع المنصور يوم الجمعة حلقتان قبل الصلاة وبعدها إحداهما للفتوى في الفقه على مذهب أحمد بن حنبل والأخرى لإملاء الحديث وهو ممن اتسعت رواياته وانتشرت أحاديثه

سمع الحسن بن مكرم البزاز ... وعبد الله بن أحمد بن حنبل وقوما يطول ذكرهم

وكان ولادته في سنة ثلاث وخمسين ومئتين ومات في سنة ثمان وأربعين وثلاثمائة

نجداد: با فتح نون و تشدید جیم، و در آخر کلمه نیز دال بدون نقطه است. این شغل مشهور است. ابو بکر «
أحمد بن سلمان بن الحسن بن إسرائيل بن يونس» به این حرفه معروف بود. وی از فقهای حنابله و اهالی بغداد
است. او در روز جمعه در مسجد جامع منصور قبل از نماز و بعد از نماز دو حلقه درس داشت. یکی برای فتاوی
فقهی بر اساس مذهب احمد بن حنبل و دیگری برای املاء روایت. وی از جمله کسانی است که روایاتش زیاد
بود و احادیثش منتشر گردید.

وی از حسن بن مکرم بزاز و ... و عبد الله بن احمد بن حنبل و گروهی که ذکر نام آنها طولانی خواهد شد،
روایت شنیده است. تولد وی در سال ۲۵۳ و سال وفاتش ۳۴۸ بوده است.

السمعاني، أبي سعيد عبد الكريم بن محمد ابن منصور التميمي (متوفى ۲۶۲هـ)، الأنساب، ج ۵، ص ۴۵۷، تحقيق: عبد الله عمر البارودي، دار النشر: دار الفكر - بيروت
، الطبعة: الأولى ۱۹۹۸م

ب: توثیقات «احمد بن اسرئیل» از دیدگاه علمای اهل سنت

پس از این که اسم و نسب «احمد بن اسرئیل» را شناختیم توثیقات و مدح او را در کلمات علمای اهل
سنت بررسی می کنیم:

۱. تصحیح حاکم نیشابوری (متوفای ۴۰۵هـ)

حاکم نیشابوری، یکی از علمای سرشناس علم رجال و حدیث اهل سنت، در بسیاری از موارد، روایاتی را
که «احمد بن اسرئیل» در سند آن قرار دارد، تصحیح کرده و این مطلب نشان می دهد که این راوی از نظر وی
مورد اعتبار و موثق است. روایت ذیل یکی از نمونه های روایاتی است که حاکم آن را صحیح دانسته است:

حدثنا أحمد بن سلمان بن الحسن النجاد الفقيه إملاء بيغداد حدثنا الحسن بن مكرم البزاز حدثنا عثمان بن
عمر حدثنا علي بن المبارك عن يحيى بن أبي كثير عن عكرمة عن بن عباس رضي الله عنهما قال قضى رسول الله
صلى الله عليه وسلم في المكاتب أن يقتل بديء الحر على قدر ما أدى منه قال يحيى قال عكرمة عن بن عباس يقام
عليه حد المملوك هذا حديث صحيح على شرط البخاري ولم يخرجاه.

الحاكم النيسابوري، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (متوفى ۴۰۵هـ)، المستدرک على الصحيحين، ج ۲ ص ۲۳۷، تحقيق: مصطفى عبد القادر
عطا، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت الطبعة: الأولى، ۱۴۱۱هـ - ۱۹۹۰م.

۲. ابی جراده (متوفای ۶۶۰هـ)

عمر بن احمد بن ابی جراده یکی از علمای اهل سنت، احمد بن اسرئیل را، فقیه و محدث مورد اعتماد
دانسته و می نویسد:

أحمد بن سلمان بن الحسن بن إسرائيل بن يونس

المعروف بالنجاد الفقيه الحنبلي كان فقيها مفتيا ومحدثا متقنا واسع الرواية مشهور الدراية.

أحمد بن سلمان بن حسن بن إسرائيل بن يونس، معروف به نجداد، فقيه مذهب حنبلي، يك فرد فقيه، فتوا
دهنده، محدث (ناقل روایت)، مورد اعتماد و دارای روایات فراوان و مشهور به درایت و فهم بود.

كمال الدين عمر بن أحمد بن أبي جرادة (متوفى ٦٦٠هـ)، بغية الطلب في تاريخ حلب، ج ٢ ص ٧٦٦، تحقيق: د. سهيل زكار، دار النشر: دار الفكر.

٣. ذهبى (٧٢٨هـ)

ذهبی یکی دیگر از علمای رجال اهل سنت در باره او گفته است:

وكان أحمد بن إسرائيل من أذكى العالم لا يسمع شيئاً إلا حفظه .

احمد بن اسرائیل از پرهیزگاران عالم و از نظر حافظه آن قدر قوی بوده که وقتی یک مطلب را یکبار می شنید ، حفظ می کرد.

تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، ج ١٩، ص ٣٤، محمد بن أحمد بن عثمان الذهبی الوفاة: ٧٢٨هـ، دار النشر: دار الكتاب العربی - لبنان/ بیروت - ١٤٠٧هـ - ١٩٨٧م.

وی در کتاب دیگرش او را «امام، حافظ حدیث، شیخ علمای بغداد» معرفی کرده و از خطیب بغدادی نقل کرده که او را صدوق دانسته است:

النجاد الإمام الحافظ الفقيه شيخ العلماء ببغداد أبو بكر أحمد بن سلمان بن الحسن بن إسرائيل البغدادي الحنبلي ... قال الخطيب كان صدوقا عارفاً صنف كتاباً كبيراً في السنن وكان له بجامع المنصور حلقة قبل الجمعة للفتوى وحلقة بعدها للاملاء حدث عنه أبو بكر القطيعي.

نجد؛ پیشوا، حافظ (کسی که صد هزار روایت حفظ است)، فقیه و استاد علمای در بغداد، ابو بکر احمد بن سلمان بن حسن بن اسرائیل بغدادی حنبلی... وی فرد صدوق و عارف بوده و کتاب بزرگی را در «سنن» تصنیف کرد و در جامع منصور قبل از نماز جمعه نشستنی برای فتوا داشته و بعد از نماز نیز درسی برای املائی روایت دائر می کرده است و از وی ابو بکر قطیعی روایت نقل کرده است.

الذهبی، شمس الدین محمد، (الوفاة: ٧٢٨هـ)، تذكرة الحفاظ، ج ٣، ص ٨٦٨، دار النشر: دار الكتب العلمية - بیروت، الطبعة: الأولى.

و در کتاب دیگرش تصریح می کند که احمد بن اسرائیل صدوق است:

٣٩٥ [٥٨٣] - [صح] أحمد بن سلمان بن الحسن بن إسرائيل بن يونس أبو بكر النجاد الفقيه الحنبلي المشهور ... قلت هو صدوق ...

الذهبی الشافعی، شمس الدین ابوعبد الله محمد بن أحمد بن عثمان (متوفى ٧٢٨هـ)، میزان الاعتدال في نقد الرجال، ج ١ ص ٢٣٨، تحقيق: الشيخ على محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، ناشر: دار الكتب العلمية - بیروت، الطبعة: الأولى، ١٩٩٥م.

٤. ابن حجر عسقلانی (متوفى ٨٥٢هـ)

ابن حجر عسقلانی نیز بر صدوق بودن ایشان تصریح کرده است:

أحمد بن سليمان بن الحسن بن إسرائيل بن يونس أبو بكر النجاد الفقيه الحنبلي المشهور ... وكان رأساً في الفقه رأساً في الرواية .. قلت وهو صدوق.

العسقلانی الشافعی، أحمد بن علی بن حجر ابوالفضل (متوفای ۸۵۲ هـ)، لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۸۰، تحقیق: دائرة المعارف النظامیة - الهند، ناشر: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات - بیروت، الطبعة: الثالثة، ۱۴۰۶ هـ - ۱۹۸۶ م.

۵. ابن ابی الدنيا (متوفای ۲۸۱ هـ)

ابن ابی الدنيا در کتاب «الاخوان» ایشان را این گونه معرفی کرده است:

النجد: الإمام المحدث الحافظ الفقيه المتقی، شیخ العراق، أبو بكر أحمد بن سلمان بن الحسن البغدادی - الحنبلی النجد - ... قال الخطیب البغدادی: كان النجد صدوقا عارفا، صنف السنن.

نجد: پیشوا، راوی حدیث، حافظ (کسی که صد هزار روایت حفظ داشته باشد)، فقیه، پرهیزگار و شیخ عراق ابو بكر احمد بن سلمان بن حسن بغدادی حنبلی نجد. خطیب گفته: نجد فرد راستگو، عارف بود که سنن را تصنیف کرد.

القرشی البغدادی، عبد الله بن محمد بن عبید ابن ابی الدنيا (متوفای ۲۸۱ هـ)، الإخوان، ص ۵۳، تحقیق: محمد عبد الرحمن طوالبه بإشراف نجم عبد الرحمن خلف، طبق برنامه مکتبه اهل البيت.

۶. ابن اثیر (متوفای ۶۳۰ هـ)

ابن اثیر ایشان را یک انسان صالح می داند:

وفیها قتل أحمد بن إسرائيل وكان صالح.

ابن اثیر در الکامل فی التاریخ گفته است که او صالح بوده .

الکامل فی التاریخ، ج ۶ ص ۲۰۳، اسم المؤلف: أبو الحسن علی بن أبی الکریم محمد بن محمد بن عبد الکریم الشیبانی الوفاة: ۶۳۰ هـ، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - ۱۴۱۵ هـ، تحقیق: عبد الله القاضي

۷. ناصر الدین البانی (متوفای ۱۴۲۰ هـ)

البانی یکی از علمای وهابی سخنش فصل الخطاب برای وهابیت است. از نظر وی نیز احمد بن سلمان نجد «حافظ و صدوق» است:

(فائدة) : النجد الذي عزا إليه الحديث مؤلف الكتاب هو أحمد بن سلمان بن الحسين أبو بكر الفقيه الحنبلی، يعرف بالنجد، وهو حافظ صدوق جمع المسند، وصنف في السنن كتابا كبيرا، روى عنه الدارقطني وغيره من المتقدمين.

ألبانی، محمد ناصر (متوفای ۱۴۲۰ هـ)، إرواء الغلیل فی تخريج أحادیث منار السبیل، ج ۳، ص ۴۰، تحقیق: إشراف: زهير الشاويش، ناشر: المکتب الإسلامی - بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۴۰۵ - ۱۹۸۵ م.

نتیجه:

اولا: نقل این روایت از سوی احمد بن حنبل، مُسَلَّم است؛ زیرا منابعی که این روایت را نقل کرده اند، همه تصریح نموده اند که احمد بن حنبل آن را در کتاب «مناقب» خودش آورده است؛

ثانیا: طبق عبارت هایی که از علمای اهل سنت در شرح حال و ترجمه «احمد بن اسرائیل» نقل شد، به دست می آید که ایشان یک نفر است؛ اما با چهار اسم معرفی شده است؛ گاهی منتسب به «جد دوم» (احمد بن اسرائیل) و گاه انتساب یافته به «جد سوم» (احمد بن یونس) و با پسوند «نجداد» مشهور شده است.

قرائنی قطعیه ای که ثابت می کند «احمد بن اسرائیل» همان «احمد سلمان بن الحسن نجداد» می باشد، به قرار زیر است:

۱. محقق کتاب فضائل الصحابه (وصی الله بن عباس) در پاورقی، احمد بن اسرائیل را استاد قطعی معرفی کرده است:

(۱۱۵۴) احمد بن اسرائیل شیخ القطعی لم اجده والباقون ثقات.

فضائل الصحابه لابن حنبل، ج ۲، ص ۶۷۵ ح ۱۱۵۴.

این گفتار ایشان مطابق با سخنان ابو الفرج ابن الجوزی و خطیب بغدادی و برخی دیگر است که از «احمد سلمان بن الحسن نجداد» ترجمه آورده و این شخص را استاد ابو بکر قطعی معرفی کرده اند.

۲. دانشمندان و علمای فوق تصریح کرده اند که «احمد بن سلمان بن الحسن نجداد» از فقهای پیرو مذهب حنبلی بوده و یک حلقه درسی در جامع منصور برای نقل و املاء روایت داشته در روزهای جمعه داشته است. این گزارش تأیید می کند که وی ناقل روایت بوده و یکی از روایاتش همین روایت مورد بحث در باره امام حسین (علیه السلام) است.

۳. در فضائل الصحابه یک روایت دیگر نیز از طریق «احمد بن اسرائیل» نقل شده که خطیب بغدادی نیز آن را پس از ذکر شرح حال وی آورده است. و برنامه «جوامع الکلم» که تدوین شده توسط اهل سنت است، «احمد بن اسرائیل» را در این روایت، همان «أحمد بن سلمان بن الحسن بن اسرائیل بن یونس» می داند و رتبه او را «صدوق حسن الحدیث» ضبط کرده است.

ثالثا: محقق کتاب مدعی شد که من شرح حالی برای ایشان نیافتم. اما با توجه به تحقیقی که انجام شد، «احمد بن اسرائیل» یک فرد شناخته شده میان علمای رجال و حدیث شناس اهل سنت است و او را توثیق کرده اند.

تصحیح روایات وی از سوی حاکم نیشابوری، آمدن الفاظی همانند: «ومحدثا متقنا» (در کلام ابن ابی جراده)، «صدوقا عارفا» در کلام خطیب بغدادی، «الإمام الحافظ الفقیه شیخ العلماء» در کلام ذهبی، «صدوق» در کلام ذهبی و ابن حجر عسقلانی، «الإمام المحدث الحافظ الفقیه المتقی» در سخنان ابن ابی الدنیا، «وکان صالح» در کلام ابن اثیر، «حافظ صدوق» در سخنان ناصر الدین البانی وهابی بهترین دلیل بر توثیق این راوی است که متأسفانه محقق این کتاب (وصی الله بن عباس) یا بدانها دست نیافته و یا از آوردن آنها چشم پوشی کرده است.

بنابراین روایت فوق از نظر سندی کاملا صحیح می باشد و هیچ خدشه ای بر آن وارد نیست.

در حدیثی معتبر در منابع امامیه، حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، قرار گرفتن در کنار اهل بیت علیهم السلام را در بهشت به عنوان پاداش گریه در مصیبت های ایشان، برشمرده اند:

حدثنا محمد بن إبراهيم بن إسحاق (رحمه الله)، قال: أخبرنا أحمد بن محمد الهمداني، عن علي بن الحسن بن علي بن فضال، عن أبيه، قال: قال الرضا (عليه السلام): من تذكر مصابنا وبكى لما ارتكب منا كان معنا في درجتنا يوم القيامة، ومن ذكر بمصابنا فبكي وأبكى لم تبك عينه يوم تبكي العيون، ومن جلس مجلسا يحيى فيه أمرنا لم يموت قلبه يوم تموت القلوب

الشيخ الصدوق، (الوفاة: ٣٨١هـ)، الكتاب، الامالی، ج ١ ص ١٣١، چاپ اول، الناشر: تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسه البعثة - قم، ١٤١٧ هـ. ق.

حضرت رضا فرمود هر که یاد مصیبت ما کند و بگرید بدان چه با ما کردند روز قیامت با ما در درجه ما است و هر که یاد مصیبت ما کند و بگرید و بگریاند دیده اش گریان نشود روزی که همه دیده ها گریانست و هر که بنشیند در مجلسی که امر ما در آن زنده می شود دلش نمیرد روزی که دلها بمیرد.

همان طور که ملاحظه شد، دو روایت فوق به ثواب گریه برای اهل بیت علیهم السلام پرداخته و این گریه را منحصر به زمان خاصی، ندانسته و به طور مطلق بر آن تاکید نمودند.

در منابع روایی شیعی روایات متعددی مبنی بر گریه و عزاداری برای سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام وارد شده است که برخی از آنان به گریه در روز عاشورا تاکید دارد و بعضی دیگر مطلق بیان شده و زمان خاصی را بیان نکرده اند. در ادامه به این بحث به صورت مختصر می پردازیم.

گریه برای امام حسین علیه السلام اختصاص به زمان خاصی ندارد

چنانچه در سطور بالا گذشت، در برخی از روایات بر گریه برای اباعبدالله الحسین علیه السلام تاکید شده است بدون آنکه انحصار به زمان و مکان خاصی داشته باشد. در این مجال بنا بر اختصار به ذکر دو روایت معتبر در این زمینه می پردازیم:

امام سجاد علیه السلام در روایتی با سند صحیح چنین می فرماید:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكَّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحِمْبَرِيُّ، عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَيْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ: أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ لِقَتْلِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ بَوَّأَهُ اللَّهُ تَعَالَى بِهَا فِي الْجَنَّةِ عُرْفًا يَسْكُنُهَا أَحْقَابًا، وَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ فِيمَا مَسَّنَا مِنَ الْأَدَى مِنْ عَدُونَا فِي الدُّنْيَا بَوَّأَهُ اللَّهُ فِي الْجَنَّةِ مَبُوءًا صِدْقِي، وَ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ مَسَّهُ أَدَى فِينَا فَدَمَعَتْ عَيْنَاهُ حَتَّى تَسِيلَ عَلَى خَدِّهِ مِنْ مَضَاضَةٍ مَا أُوذِيَ فِينَا صَرَفَ اللَّهُ عَنْ وَجْهِهِ الْأَدَى وَ أَمَنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنْ سَخَطِهِ وَ النَّارِ.

امام باقر علیه السلام فرمود، حضرت امام سجاد علیه السلام همیشه می فرمودند: هر مؤمنی که بخاطر شهادت امام حسین علیه السلام چشمانش اشک آلود شود، تا اینکه اشکش بر گونه اش جاری شود، خدای تعالی در بهشت جایگاهی عنایت می کند که مدتهای طولانی در آن ساکن خواهد بود. و هر مؤمنی که بخاطر اذیت هایی که از جانب دشمنان ما به ما رسیده، از چشمانش بر گونه هایش اشکی جاری گردد، خداوند جایگاه مناسب و نیکو به او عنایت می کند و هر مومنی که در راه ما (اهل بیت) آزاری ببیند و چشمانش اشک آلود شود و اشک هایش بر گونه هایش جاری شود، خداوند اذیت را از او برطرف می کند و در قیامت او را از عذاب آتش در امان می دارد».

امام رضا علیه السلام نیز در حدیثی معتبر بر گریه بر مصیبت های امام حسین علیه السلام تاکید دارند:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ شَيْبٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا ع فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الْمُحَرَّمِ - فَقَالَ لِي ... يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لِشَيْءٍ فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ بَكَيتَ عَلَى الْحُسَيْنِ ع حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعَكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزِرْ الْحُسَيْنِ ع يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَسْكُنَ الْغُرْفَ الْمَبْيُتَةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ وَ آلِهِ ص فَالْعَنُ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ ع فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنْ لِحَزْنِنَا وَ افْرَحْ لِفِرْحَانَا وَ عَلَيْكَ بِوَلَايَتِنَا فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا تَوَلَّى حَجْرًا لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱ق)، الأمالی، ص ۱۹۲، تحقیق و نشر: قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسة البعثة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ.

ریان بن شیبب گوید روز اول ماه محرم خدمت حضرت رضا رسیدم به من فرمود: ... ای پسر شیبب اگر برای چیزی گریه خواهی کرد برای حسین (ع) گریه کن ... ای پسر شیبب اگر بر حسین گریه کنی تا اشکت بر گونه هایت روان شود خدا هر گناهی کردی از خرد و درشت و کم و بیش بیامرزد. ای پسر شیبب اگر خواهی خدا را بر خوری و گناهی نداشته باشی حسین را زیارت کن ای پسر شیبب اگر خواهی در غرفه های ساخته بهشت با پیغمبر ساکن شوی بر قاتلان حسین لعن کن ای پسر شیبب اگر خواهی ثواب شهیدان با حسین را دریابی هر وقت بیادش افتادی بگو کاش با آنها بودم و بفوز عظیمی می رسیدم ای پسر شیبب اگر خواهی با ما در درجات بلند بهشت باشی برای حزن ما محزون باش و و برای شادی ما شاد باش و ملازم ولایت ما باش و اگر مردی سنگی را دوست دارد با آن خدا روز قیامت محشورش کند.

در روایات فوق، تاکید فراوانی بر گریه در مصیبت اباعبدالله الحسین علیه السلام شده بود و آن را موجب بخشش گناهان شمرده بودند. از طرفی بر اساس گزارش برخی روایات، اهل بیت علیهم السلام از ابتدای محرم

اهتمام ویژه ای به ذکر مصیبت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام داشتند؛ گاه این حالت در چهره آنان کاملاً هویدا بود و حالت حزن به خود می گرفتند و گاه به روزه خوانی برای آن امام عزیز می پرداختند. در این مجال به ذکر هر دو مورد به صورت مختصر خواهیم پرداخت.

عزادار بودن امام موسی کاظم علیه السلام از اول محرم

تعبیری که در باره حزن و اندوه حضرت امام کاظم علیه السلام در روایات بیان شده، بسیار قابل توجه است و الگویی عملی حاکی از سنت اهل بیت علیهم السلام در این زمینه می باشد. در کتاب گرانسنگ امالی شیخ صدوق در روایتی معتبر به نقل از حضرت رضا علیه السلام آمده است:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ قَالَ الرَّضَا ع ... كَانَ أَبِي ع إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يَرَى ضَاحِكًا وَ كَانَتْ الْكِتَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةٌ أَيَّامٍ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ وَ يَقُولُ هُوَ الْيَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ ع.

الشیخ الصدوق، (الوفاة: ۳۸۱هـ)، الامالی، ج ۱ ص ۱۹۱، چاپ اول، الناشر: تحقیق قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسه البعثة - قم، ۱۴۱۷ هـ.

ق.

امام رضا علیه السلام فرمودند: ... زمانی که روز اول محرم فرا می رسید، پدرم خندان دیده نمی شد و تا روز دهم محرم اندوه بر او غالب بود، روز دهم روز مصیبت و حزن و گریه اش بود و می فرمود در این روز حسین کشته شد.

روایت فوق حاکی از سیره حضرت امام موسی کاظم علیه السلام بود که از ابتدای محرم در عزای سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام غم و اندوه بر ایشان غالب می شد و در روز عاشورا به اوج خود می رسید. اما سیره اهل بیت علیهم السلام به این مورد خلاصه نمی شود بلکه از بعضی امامان اهل بیت علیهم السلام روایت شده که در روز اول محرم روزه خوانی نموده اند که در ادامه به ذکر آن می پردازیم:

روژه خوانی امام رضا علیه السلام در روز اول محرم

در روایت معتبری نقل شده است که ریان بن شیبب روز اول محرم بر امام رضا علیه السلام وارد شد و پس بیان برخی از معارف دینی توسط امام هشتم علیه السلام، آن حضرت برای ریان بن شیبب روزه و مقتل امام حسین علیه السلام را خواندند؛ شیخ صدوق رحمه الله علیه در کتاب گرانسنگ الامالی به نقل این روایت می پردازد:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ شَيْبِيبٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا ع فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الْمُحَرَّمِ ... قَالَ يَا ابْنَ شَيْبِيبٍ إِنَّ الْمُحَرَّمِ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ

فِيمَا مَضَى يُحَرِّمُونَ فِيهِ الظُّلْمَ وَ الْقِتَالَ لِحُرْمَتِهِ فَمَا عَرَفَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ حُرْمَةَ شَهْرِهَا وَ لَا حُرْمَةَ نَبِيِّهَا ص لَقَدْ قَتَلُوا فِي هَذَا الشَّهْرِ ذُرِّيَّتَهُ وَ سَبَوْا نِسَاءَهُ وَ انْتَهَبُوا ثَقْلَهُ فَلَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ أَبَدًا يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ بَاكِيًا لَشَيْءٍ فَأَبَكَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبِحُ الْكَبْشُ وَ قُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْبَهُونَ وَ لَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ وَ لَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةَ آلَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شَعْتُ غُبْرًا إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ع أَنَّهُ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ جَدِّي ص مَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا وَ تُرَابًا أَحْمَرَ

الصدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین (متوفای ۳۸۱ق)، الأمالی، ص ۱۹۲، تحقیق و نشر: قسم الدراسات الاسلامیة - مؤسسه البعثة - قم، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷هـ

ریان بن شیبیب می گوید: در روز اول محرم خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم، آن حضرت فرمود: ای پسر شیبیب! همانا محرم ماهی است که مردم زمان جاهلیت در این ماه ظلم و کشتن افراد را به خاطر حفظ حرمت این ماه، حرام می دانستند؛ اما این امت (امت اسلام) حرمت این ماه و حرمت پیامبرش را نشناختند و در این ماه ذریه ایشان را کشتند و زناش را اسیر و اموالش را غارت کردند؛ پس خداوند آنها را هرگز نیامرزد.

ای فرزند شیبیب اگر خواستی بر کسی گریه کنی، بر حسین بن علی علیه السلام گریه کن که او را مانند گوسفند سر بریدند، و هیجده نفر از خاندان او را که مانند آن ها در زمین نبودند با وی کشته شدند، آسمان و زمین برای کشته شدن او گریه کردند.

چهار هزار فرشته برای یاری کردن او فرود آمدند و او را کشته یافتند، و آنها محزون و غبار آلود در کنار قبر او می باشند تا وقتی که قائم علیه السلام قیام کند، در هنگام ظهور قائم، آن فرشتگان وی را یاری می کنند و شعار آنان «یا لثارات الحسین» علیه السلام می باشد.

ای پسر شیبیب! پدرم از پدرش از جدش برایم نقل کرد، چون جدم حسین (علیه السلام) کشته شد، آسمان خون و خاک سرخ بارید ...

در روایت فوق ملاحظه شد که امام رضا علیه السلام اهتمام ویژه ای به گریه و عزاداری برای امام حسین علیه السلام داشتند، تا جایی که شخصا برای ریان بن شیبیب به بیان مقتل پرداختند.

نتیجه

از آنچه گذشت روشن شد که اولاً گریه و عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام اختصاص به زمان خاصی ندارد و دلیلی ندارد که برای آن بزرگواران تنها در روز شهادت شان عزاداری شود بلکه در تمامی ایام سفارش به گریه و عزاداری برای معصومان مخصوصا امام حسین علیهم السلام شده است. از طرفی سیره حضرت امام کاظم و امام رضا علیهما السلام عزاداری برای امام حسین علیه السلام از روز اول محرم بوده است. و از آنجایی که

عمل امام علیه السلام برای شیعه حجت می باشد، شیعیان از ابتدای محرم، اقدام به برگزاری مجالس عزاداری و روضه خوانی برای امام حسین علیه السلام می کنند.

موفق باشید

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف